



## نگاهی مختصر به اخلاق اسلامی

مهدی پولادپور

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی کرمانشاه

[mahdipuladpur@gmail.com](mailto:mahdipuladpur@gmail.com)

### چکیده

در نوشتار حاضر سعی شده است تا اخلاق اسلامی، به طور مختصر، مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. بر پایه نتایج به دست آمده، اخلاق اسلامی نظامی است که از تلفیق تعلیمات علم اخلاق و آموزه‌های اسلامی به دست آمده است و هدف آن سعادت انسان‌ها است. در این راستا اخلاق اسلامی، تربیت اخلاقی را سرلوحه کار خود قرار داده است. اخلاق اسلامی دارای رویکردهای مختلفی است که پس از بررسی فروان متوجه می‌شویم، رویکرد تلفیقی بهترین رویکرد اخلاق اسلامی است. مبانی اخلاق اسلامی انواع مختلفی دارند که باتوجه به جامعیت داشتن قرآن کریم، می‌توان مبانی قرآنی را به عنوان مهم‌ترین مبانی اخلاق اسلامی تلقی کرد. اخلاق اسلامی روش‌های زیادی را برای تربیت اخلاقی انسان‌ها پیشنهاد می‌دهد. از نظر اخلاق اسلامی، برخی از انسان‌ها تحت شرایطی دارای مسئولیت اخلاقی نیستند. برای ترویج اخلاق اسلامی نیز راهکارهایی وجود دارد؛ مانند تولید و نشر محتوای اخلاقی، ترویج الگوهای اخلاقی، حمایت از نهادهای دینی و نیز برگزاری اردوها و برنامه‌های فرهنگی.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق اسلامی، علم اخلاق، تربیت اخلاقی، مسئولیت اخلاقی

### ۱- مقدمه

اخلاق اسلامی مجموعه‌ای از اصول و قواعد رفتاری است که براساس آموزه‌های دین اسلام تدوین شده است. این اصول و قواعد، چارچوبی را برای زندگی مسلمانان در تمام ابعاد زندگی، از جمله روابط فردی و اجتماعی، ارائه می‌کنند. در اسلام، اخلاق به عنوان یکی از مفاهیم اساسی و مهم به حساب می‌آید. اهمیت اخلاق در اسلام، از جایگاه والای آن در منابع دینی، اعم از قرآن و روایات، آشکار است. خداوند متعال در قرآن کریم، بارها انسان‌ها را به اخلاق نیکو سفارش کرده و آن را از نشانه‌های مؤمنان



دانسته است. همچنین، پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) نیز در احادیث متعددی، به تبیین فضایل اخلاقی و نقش آنها در زندگی سعادت‌مندان پرداخته‌اند.

در دین اسلام، به رعایت اخلاق در تمام ابعاد زندگی انسانی تاکید شده است. اخلاق اسلامی در اسلام به عنوان یک شیوه زندگی تلقی می‌شود که برای هر فرد مسلمان بسیار حائز اهمیت است. از زمانی که فرد به دنیا می‌آید تا لحظه مرگ، اخلاق در هر ناحیه از زندگی و رفتار او نقش مهمی دارد. تکلیف هر مسلمانانی این است که اخلاق اسلامی را به درستی درک کند و در زندگی روزمره خود به اصول آن پایبند باشد. این پایبندی به افراد کمک می‌کند تا به رشد و تکامل روحی و اخلاقی برسند و رابطه‌ای سالم و صحیح با خداوند و انسان‌های اطراف خود برقرار کنند.

باتوجه به موارد فوق، اخلاق اسلامی نقش مهمی در سعادت انسان‌ها دارد و تحقق مهم‌ترین هدف دین اسلام، یعنی رسیدن به مقام قرب و رضایت الهی به اخلاق اسلامی وابسته است؛ از این رو، بررسی اخلاق اسلامی امری مهم و ضروری است. در ضمن به نظر می‌رسد، برای اینکه اخلاق اسلامی بتواند به اهداف خود برسد، باید گسترش یابد و این امر نیازمند ارائه راهکارهایی جامع و مدون است که مقتضیات عصر حاضر را نیز در نظر بگیرند.

در این مقاله با توجه به گستره اخلاق اسلامی و مباحث پیرامون آن، از پرداختن به جزئیات صرف نظر شده است. از آنجا که «بین مبانی و اصول اخلاق اسلامی رابطه کل و جزء برقرار است؛ یعنی براساس آموزه‌های اسلامی هر اصل اخلاقی بر مبنای اخلاق اسلامی قابل توجیه و تبیین می‌باشد» (صفایی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵)، در این مقاله از پرداختن به اصول اخلاق اسلامی نیز خودداری گردیده است و تنها مهم‌ترین مبانی اخلاق اسلامی بیان شده اند. در ضمن در این مقاله باتوجه به جامعیت قرآن کریم، صرفاً تنها مبانی قرآنی اخلاق اسلامی بیان شده اند و به دیگر مبانی اخلاق اسلامی پرداخته نشده است.

## ۲- مفهوم اخلاق اسلامی

اخلاق جمع خُلق و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است. در مقابل، خلق به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ۱۵۹).

با توجه به اهمیت اخلاق و جامعیت داشتن آن در زندگی فردی و اجتماعی، اخلاق، رفته رفته، به عنوان یک علم مطرح شد. در خصوص علم اخلاق ابن مسکویه گفته است: «علم اخلاق از همه علوم برتر است و به نیکوکردن رفتار انسان از آن جهت که انسان است می‌پردازد» (ابن مسکویه، ۱۴۱۱ق، ۵۵). در خصوص تعریف علم اخلاق، تعاریف متعددی ارائه شده است که با توجه به نگاه اسلام به اخلاق، می‌توان تعریف زیر را به عنوان تعریفی جامع برای علم اخلاق قلمداد کرد:

«علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد» (دپلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۱۶).



علم اخلاق در دین اسلام اهمیت زیادی است و اخلاق اسلامی یکی از مهم ترین موضوعات می باشد. از نظر برخی، اخلاق اسلامی وظیفه شناساندن فضائل و ردایب اخلاقی و نیز هدایت انسان ها برای عمل به فضائل اخلاقی و دوری از ردایب اخلاقی را برعهده دارد. برخی دیگر اخلاق اسلامی را نظامی ارزشی و هنجاری دانسته اند که انسان برای رسیدن به کمال و سعادت نیاز است که منش و رفتار خود را براساس دستورات و توصیه های آن تنظیم کند. اخلاق اسلامی نشأت گرفته از آیات قرآن کریم، روایات پیامبر اکرم (ص) و احادیث ائمه معصومین (ع) است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (من از آن جهت برانگیخته شدم که شرافت های اخلاقی را کامل کنم و آنها را تعلیم دهم) ( حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ج ۶، ۶۷۵). در قرآن کریم نیز خداوند پیامبر اکرم (ص) را به خاطر اخلاق والای ایشان تحسین می کند و می فرماید:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خویی والاست (قلم، ۴)

با تدبیر در این آیه متوجه می شویم که اخلاق دارای اهمیتی بسیار زیاد است که خداوند، پیامبرش را به خاطر این صفت مورد تحسین قرار داده است. تامل و تعقل در آیات و روایات دیگر ما را به این نتیجه می رساند که اخلاق رکنی اساسی در اسلام است که دستیابی به سعادت، لازمه توجه ویژه به آن است؛ از همین روست که در طول تاریخ گروهی بودند که به تعلیم و تربیت اسلامی، نگاه اخلاقی داشتند و اساسی ترین رکن تعلیم و تربیت را اخلاق می دانستند.

### ۳- رویکردهای مختلف در اخلاق اسلامی

باتوجه به نگاه های متفاوت به اخلاق اسلامی رویکردهای مختلفی در طول زمان شکل گرفتند و آثاری نیز که در حوزه اخلاق اسلامی وجود دارند، هرکدام بر اساس یکی از رویکردهای اخلاق اسلامی نگارش یافته اند. از همین رو، مختصراً این رویکردها را توضیح می دهیم؛

#### ۱- رویکرد فلسفی

در این رویکرد نظریه اعتدال و حد وسط ارسطو، معیار اصلی برای تبیین فضائل و ردایب محسوب می شود. در این رویکرد چگونگی شناسایی قوای نفسانی و اعتدال بخشیدن به آنها، محور اصلی مباحث اخلاقی است و این رویکرد برای دستیابی به تربیت اخلاقی، اعتدال بخشیدن به قوای درونی را پیشنهاد می کند. از آن جهت که این رویکرد ماهیت فلسفی و علمی داشته، در میان مردم عادی رواج پیدا نکرده است.

از جمله آثاری که براساس این رویکرد نگارش یافته اند، می توان به تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق نوشته ابن مسکویه و اخلاق ناصری از خواجه نصرالدین طوسی اشاره کرد.

#### ۲- رویکرد عرفانی



این رویکرد بیشتر در میان عرفا و صوفیان رواج داشته است. در این رویکرد بیشتر بر سیر و سلوک، مجاهده با نفس و نیز تعیین منازل تاکید شده است. عارفان سعی کرده اند که آنچه را که از طریق شهود به آن دست یافته اند را با زبان تشبیه بیان کنند و این معارف را در اختیار دیگران قرار بدهند. درواقع می‌توان عرفا را بنیان‌گذاران این رویکرد اخلاق اسلامی دانست که این رویکرد نتیجه در هم آمیختن اخلاق اسلامی با تعلیمات آنان بوده است. مثنوی معنوی مولوی و منطق الطیر عطار نیشابوری از جمله کتاب‌هایی هستند که بیانگر این رویکرد هستند و در آنها با زبان شعر و تشبیه مراحل سیر و سلوک تشریح شده اند.

به تدریج پیروان این رویکرد به دو گروه تقسیم شدند:

الف)- گروهی که پایبندی به شریعت را جز در موارد خاص، لازم نمی‌دانستند: این گروه علاوه بر اینکه در سیر و سلوک دچار افراط شدند، به گونه‌ای عقل را به فراموشی سپردند و با رویکرد غلط خود، تعالیمی را که مغایر با اصول و آموزه‌های اسلامی بودند را پذیرفتند.

ب)- گروهی که پایبندی به شریعت را همواره لازم می‌دانستند: این گروه معتقد بودند که التزام به تعالیم و اصول اسلامی، تنها راه رسیدن به درجات عالی معنوی است و در این راستا با تاکید بر اصول اخلاق اسلامی به دستاوردهای ارزشمندی دست یافتند. با ترکیب این دستاوردها با مباحث اخلاق اسلامی، می‌توان به کارآمدی هر چه بیشتر نظام اخلاق اسلامی کمک شایانی کرد.

### ۳- رویکرد نقلی

این رویکرد را محدثان، با نقل و نشر اخبار و احادیث در میان مردم به وجود آورده اند (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۱). در این رویکرد مفاهیم اخلاقی براساس کتاب و سنت بیان می‌شوند. این رویکرد تنها به توصیف مفاهیم اخلاق اسلامی، و ثبت و نقل آیات و روایات می‌پردازد و از ارائه نظام‌مند مفاهیم اخلاقی و راهکارهای عمل به آنها خودداری می‌کند. هر چند که تعالیم این رویکرد غنی و اصیل هستند اما نبود ساختار در این رویکرد، موجب پدیدار شدن ضعف عمیقی در آن شده است. کتاب‌هایی مانند مکارم الاخلاق طبرسی از این دست اند.

### ۴- رویکرد تلفیقی

در این رویکرد دستاوردهای سایر رویکردهای اخلاق اسلامی با هم ترکیب می‌شوند و با هم یک رویکرد واحد را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر در این رویکرد سعی می‌شود تا اخلاق اسلامی؛

۱- بر پایه قواعد منطقی و عقلانی، تنظیم و تدوین شود

۲- تا حد امکان از دستاوردهای عرفا استفاده شود

۳- تعالیم موجود در آیات و روایات تفسیر شوند



و در نهایت آیات و روایات، به عنوان معیار و ملاک همه تعالیم اخلاق اسلامی قرار گیرند. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان رویکرد تلفیقی را رویکردی جامع و مورد قبول در اخلاق اسلامی دانست که با نگاه ساختاری و جامعی که به اخلاق اسلامی دارد، باید توجه ویژه‌ای به آن کرد.

#### ۴- مبانی اخلاق اسلامی

مبانی اخلاق اسلامی بنیادی‌ترین اعتقادات اسلام در مورد اخلاق اسلامی هستند که اصول، ارزش‌ها و روش‌های اخلاق اسلامی براساس آنها شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر مبانی اخلاق اسلامی مجموعه‌ای از اصول و آموزه‌هایی هستند که به انسان در تشخیص خوب و بد، و انجام رفتارهای صحیح و نیکو یاری می‌رسانند. این مبانی ریشه در منابع دینی اسلام، شامل قرآن کریم، احادیث و سیره معصومین (ع) دارند. مبانی اخلاق اسلامی بسیار زیاد هستند و در اینجا بنیادی‌ترین مبانی اخلاق اسلامی را که از قرآن کریم اقتباس شده‌اند را بیان می‌کنیم؛

#### ۱- توحید

انسان مخلوق خداست و همه چیزهایی که دارد و حتی وجود خودش از سوی خدا به او عطا شده است. به علاوه، تمامی هستی و نعمت‌های موجود در آن که غیرقابل شمارش اند و زندگی انسان وابسته به آنهاست، همه آفریده خدا می‌باشند (صفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵).

درواقع مهم‌ترین مبنای اخلاق اسلامی، توحید است. در اخلاق اسلامی همه ارزش‌ها با در نظر گرفتن خداوند معنا پیدا می‌کنند و بنابراین، اعتقاد به خدا، اولین و مهم‌ترین رکن در اخلاق اسلامی است.

علامه طباطبایی معتقد است توحید، ریشه درخت اسلام و روح همه آموزه‌های قرآن است. از این‌رو، مهم‌ترین مبنای تربیت اخلاقی را توحید می‌داند. ایشان بیان می‌کند که شجره طیبه‌ای که قرآن از آن نام می‌برد و اصل آن ثابت و فرع آن در آسمان است، همان توحید است که فروع آن، اخلاق، اعتقادات و احکام می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۶).

انسانی که معتقد است کارگردان اصلی جهان تنها خداوند است و نیامندی‌های او، تنها با تدبیر خداوند، سر و سامان خواهند گرفت، دست نیاز به سوی دیگران دراز نخواهد کرد؛ در مقابل مشکلات بی‌تابی و کم‌صبری نخواهد داشت؛ زیرا او می‌داند که خداوند تنها رب او نیست، رب همه جهان است و امور را به بهترین شیوه هدایت خواهد کرد. مسلماً چنین نگرشی درباره توحید، اساس تفکر انسان را دگرگون ساخته و ریشه رذایل اخلاقی را در او می‌خشکاند. همان‌گونه که مهم‌ترین انگیزه رعایت اخلاق را برای رسیدن به همه خیرات در انسان زنده می‌کند (کبیری و معلمی، ۱۳۸۸).



## ۲- فطرت

فطرت در لغت به معنای سرشت و آفرینش است و یکی دیگر از مبانی اخلاق اسلامی محسوب می‌شود که این مبنا همچون مبنای توحید از قرآن کریم اقتباس شده است. «فطرت در اصطلاح، به‌گونه‌ای خاص از آفرینش اطلاق می‌شود که مخصوص انسان و غیر تقلیدی است. بدین صورت که نیازمند تمرین و استاد نبوده، در همه زمان‌ها، مکان‌ها و برای همه ثابت می‌باشد؛ قابل شدت و ضعف است و مبدا همه فضایل انسانی است» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۹).

از دیدگاه اسلام، انسان با فطرت پاک و خدایی آفریده شده و گرایش‌های فطری او به سمت خیر و نیکی است. این گرایش‌ها، مبانی اخلاق اسلامی را تشکیل می‌دهند. گرایش‌های فطری، منبع اولیه شناخت اخلاقی، معیار داوری اخلاقی و پایه و اساس دین هستند. آموزه‌های دینی با فطرت انسان سازگار هستند و به فطرت او کمک می‌کنند تا به کمال برسد. فطرت دارای ویژگی‌هایی است؛ از جمله همگانی بودن، تغییرناپذیر بودن و ذاتی بودن.

گرایش‌های فطری که به صورت سلسله‌ای در انسان وجود دارند، تنها مختص انسان هستند و سایر موجودات از آنها برخوردار نیستند. «اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت او باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد» (همان، ۱۴). در واقع باید استعدادهای فطری شکوفا شوند تا تربیت اخلاقی محقق شود.

## ۳- هدفدار بودن انسان

در آموزه‌های اسلامی، انسان موجودی هدفمند و دارای رسالتی مشخص در این جهان است. این هدفمندی، یکی از بنیان‌های اخلاق اسلامی را تشکیل می‌دهد و نقشی اساسی در تعیین بایدها و نبایدها ایفا می‌کند.

قرآن، هدف و کمال انسان را در آگاهی کامل و علم شهودی و حضوری او به خدای متعال می‌داند که همان قرب حقیقی نسبت به پروردگار است و با تلاش و تهذیب نفس به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۵۷). از نظر قرآن، سعادت انسان که موجودی مرکب از روح و بدن می‌باشد، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آنها (همان، ۱۸).

هدفمندی انسان، نقشی اساسی در اخلاق اسلامی ایفا می‌کند. این موضوع به انسان انگیزه می‌دهد تا به تزکیه نفس و انجام اعمال نیک بپردازد. همچنین، معیاری برای ارزیابی اعمال ارائه می‌دهد. انسان با توجه به هدف نهایی خود، می‌تواند ارزش و اعتبار اعمال خود را بسنجد. در نهایت باید گفت که هدفدار بودن انسان باعث می‌شود تا همه گرایش‌ها و امیال انسان در راستای تحقق مهم‌ترین هدف زندگی، یعنی رسیدن به مقام رضایت و قرب خداوند سازمان یابند.

## ۴- اختیار

اختیار در لغت به معنای «توانایی انتخاب درست از نادرست» است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ۳۰۱). در فلسفه و کلام اسلامی، اختیار به معنای قدرت انسان در انجام یا ترک فعل، بدون هیچ‌گونه جبر و اکراه خارجی، تعریف می‌شود. اختیار، به عنوان یکی



از مبانی کلیدی اخلاق اسلامی، نقشی اساسی در تئوری و عمل اخلاقی مسلمانان ایفا می‌کند. بدون درک صحیح از مفهوم اختیار، فهم بسیاری از مفاهیم اخلاقی مانند تکلیف، ثواب و عقاب، و عدالت الهی دشوار خواهد بود. بدون وجود اختیار، انسان‌ها در اعمال خود مجبور و فاقد مسئولیت اخلاقی تلقی می‌شوند. در اسلام، خداوند انسان را موجودی مختار آفریده که آزادانه می‌تواند راه خیر یا شر را انتخاب کند.

در اسلام، نه جبر مطلق مورد قبول است و نه اختیار مطلق. اسلام معتقد به "امر بین امرین" است؛ یعنی انسان در انتخاب بین دو یا چند فعل، مختار است، اما این اختیار، مطلق و بدون قید و شرط نیست و تحت تاثیر عوامل مختلفی مانند علم و مشیت الهی، تربیت و محیط اجتماعی قرار دارد.

## ۵- معرفت پذیری انسان

این مفهوم به این معناست که انسان قادر به شناخت حقایق و ارزش‌های اخلاقی است و می‌تواند براساس این شناخت، به طور آزادانه و مختارانه عمل کند. معرفت پذیری انسان به معنای توانایی و استعداد ذاتی او در شناخت و درک حقایق، اعم از حقایق هستی، حقایق مربوط به خود و حقایق مربوط به دیگران است. این توانایی، انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند و او را به تعالی و رشد معنوی قادر می‌سازد.

در اسلام، معرفت و عمل دو مقوله جدایی ناپذیر از یکدیگر هستند. معرفت بدون عمل، ثمره‌ای نخواهد داشت و عمل بدون معرفت، ممکن است به گمراهی و انحراف انسان منجر شود. از این رو، اسلام بر تعادل بین معرفت و عمل تاکید می‌کند و انسان را به دنبال علم و دانش در کنار عمل صالح و اخلاقی رهنمون می‌سازد.

خداوند کریم در هیچ آیه‌ای دستور نداده است که مردم کورکورانه ایمان بیاروند. حتی گاهی در میان آیات، علت احکام و شرایع را نیز بیان می‌کند. به عبارتی، قرآن، مبنای دعوت خود را بر ادراک عقلی انسان نهاده و او را به کسب بینش دعوت می‌کند تا با شناخت نیازهای خود و قدم در وادی تهذیب نفس، به سعادت برسد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴: ج ۵، ۲۶۸ و ۲۷۰).

بدون معرفت و شناخت صحیح، انسان قادر به عمل اخلاقی نخواهد بود؛ از این رو، اسلام بر کسب معرفت و علم آموزی تاکید فراوانی کرده است.

## ۵- تربیت اخلاقی، هدف اخلاق اسلامی

تربیت اخلاقی، فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل است. این نوع تربیت، مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه‌ای که مبدا حرکت انسان است) به سوی قله کمال را باز می‌نماید و آدمی را چنان راه می‌برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۲). تربیت اخلاقی تحقق عینی همه آموزه‌هایی است که دانش اخلاق، آدمی را بدان فرا می‌خواند (همان).



درواقع تربیت اخلاقی بخش مهمی از علم اخلاق اسلامی است که رویکرد آن، چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعداد های درونی، برای تثبیت رفتارهای پسندیده اخلاقی، عمل به فضائل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است. از آنجا که مباحث عمده تربیت اخلاقی راهکارها و توصیه‌هایی در حیطة عمل است، از این امر به عنوان «اخلاق عملی» نیز یاد می‌شود و در مقابل به بخش‌هایی از مباحث اخلاقی که تنها به توصیف فضائل و رذایل اخلاقی می‌پردازند را «اخلاق نظری» می‌گویند.

از این رو اخلاق اسلامی باید تربیت اخلاقی را سرلوحه کار خود قرار بدهد؛ چرا که تحقق اهداف اخلاق اسلامی تنها با دستیابی به تربیت اخلاقی امکان پذیر است.

## ۶- روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام

برای تحقق آرمان‌های اخلاق اسلامی روش‌هایی بیان گردیده است. این روش‌ها از آموزه‌های نجات بخش اسلام سرچشمه می‌گیرند و دارای ترتیبی خاص هستند که معمولاً از آسان به سخت مرتب می‌شوند. مهم‌ترین این روش‌ها عبارتند از:

۱- ایجاد محیط تربیتی مناسب: شرایط مختلف محیطی از جمله زمان، مکان و جامعه در تکوین و تغییر انسان‌ها نقش دارند؛ از این رو، هرگونه تغییر در محیط و جایگزین کردن شرایط مناسب، می‌تواند باعث تغییر در افکار و خصلت‌های متربی شود. درواقع اصل تاثیرپذیری انسان از شرایط محیطی، یکی از مبانی روان‌شناختی محسوب می‌شود. در این روش، نقش والدین و معلمان بسیار پررنگ‌تر است و آنها می‌توانند با به‌کارگیری شیوه‌هایی از جمله زمینه‌سازی، الگوسازی و تغییر موقعیت این روش را محقق سازند.

۲- روش تکریم شخصیت: کسی که احساس زبونی و فرومایگی کند و شرافت شگرف خویشتن را باور نداشته باشد، از ارتکاب هرگونه رفتار ناپسند اخلاقی باکی ندارد (آمدی، ۱۳۳۷: ۲۶۰). از آن جهت که برای دستیابی به اخلاق اسلامی، باید از رذایل و گناهان دوری کرد؛ بنابراین، باید کارهایی را انجام داد که باعث ایجاد حس ارزشمندی در خود یا متربی می‌شوند. انسان ذاتاً به خود علاقه‌مند است و دوست دارد که دیگران نیز به او احترام بگذارند. در این راستا و برای تحقق این روش، شیوه‌هایی توصیه شده است؛ مانند احترام، همدلی، اغماض، دادن مسئولیت.

۳- دعوت به ارزش‌های اخلاقی: پس از آنکه، از طریق روش‌های قبلی شرایط و زمینه‌سازی مناسب فراهم شد، اکنون باید متربی را به ارزش‌های اخلاقی دعوت کرد. البته خود این روش نیز دارای اصول و شرایطی است که باید رعایت شوند؛ مثلاً دعوت به این ارزش‌ها نباید با اکراه و اجبار صورت گیرد یا اینکه باید این امر با ارائه دلایل معقول و متناسب درک و فهم متربی باشد. برای انجام بهتر این روش، شیوه‌هایی وجود دارد که بسیاری از آنها ریشه در آیات هدایت بخش قرآن کریم دارند؛ برای مثال شیوه انذار و تبشیر، تشبیه و تمثیل، سوال و جواب، و داستان‌گویی.

۴- پرورش نیروی عقلانی: عقل، مهم‌ترین تفاوت میان انسان با سایر جانداران است و در اخلاق اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. با تدبر در آیات و روایات متوجه می‌شویم که با تفکر در طبیعت، تاریخ، قرآن کریم و انسان می‌توانیم عقل و اندیشه‌های خود را پرورش دهیم و با استفاده از قواعد منطقی و استدلالی، به تربیت اخلاقی خود کمک کنیم. استدلال اخلاقی، مشورت کردن، و اصلاح نگرش از جمله شیوه‌هایی هستند که برای انجام این روش به‌کار گرفته می‌شوند.





۵- روش عبرت‌آموزی: این روش برگرفته از آیات قرآن کریم است. با تدبیر در داستان های عبرت آموز سرنوشت فرعون، قوم ثمود و قوم لوط متوجه می‌شویم که این روش مورد تاکید قرآن کریم است. در این روش با نشان دادن عاقبت ظالمان سعی می‌شود تا افراد از انجام اعمال اشتباه خودداری کنند. مشاهده آثار گذشتگان، تامل در قصه‌های گذشتگان و نگاه به طبیعت و موجودات از شیوه‌هایی هستند که در اخلاق اسلامی برای انجام این روش مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۶- روش تشویق و تنبیه: این روش برای کنترل فرد پس از انجام رفتار درست یا نادرست انجام می‌گیرد تا اگر فرد رفتار درست بود، با تشویق این امر پایدار و گسترش یابد و اگر رفتار نادرست بود، با تنبیه کاهش یابد و از انجام دوباره آن پیشگیری شود. در اسلام اصل جزا و کیفر، متناسب با این روش است و با شیوه‌هایی مانند تکریم و پاداش، تذکر و اخطار، و جریمه صورت می‌گیرد.

۷- پرورش ایمان: ایمان، باور و اعتقاد قلبی به یک امر یا موضوع است که همراه با عمل است. ایمان به تعالیم اسلامی، موجب عمل به آموزه‌های اخلاقی می‌شود و از آنجا که در آموزه‌های اسلامی به تعالیم اخلاقی تاکید بسیاری شده است، با پرورش ایمان می‌توان به تربیت اخلاقی دست یافت. برای پرورش ایمان باید از شیوه‌هایی مانند عبادت، ذکر، نیایش و محبت به اولیای الهی استفاده کرد.

## ۷- شرایط مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی در اصطلاح دارای تعاریف مختلفی است. در اخلاق اسلامی، از آنجا که مسئولیت همان وظیفه است، مسئولیت اخلاقی همچون سایر مسئولیت‌ها مبتنی بر وظایف اخلاقی است. پس می‌توان گفت: مسئولیت اخلاقی، تعهدی است در برابر وظایف اخلاقی (شهریاری، ۱۳۹۱).

درواقع مسئولیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین مباحث در اخلاق اسلامی است که موجب می‌شود تا فرد به خاطر اعمالش پاداش داده شود یا مجازات گردد. در ضمن مسئولیت اخلاقی یکی از دلایل وجود اختیار است، بنابراین، نقش بسیار مهمی در اخلاق اسلامی دارد.

در اینجا برخی از مهم‌ترین عواملی که موجب می‌شوند تا فرد دارای مسئولیت اخلاقی باشد را بیان می‌کنیم؛

۱- بلوغ: افرادی که هنوز بالغ نشده‌اند، از جمله کودکان، دارای مسئولیت اخلاقی نیستند و اگرچه اعمال خوب آنان موجب پاداش می‌شود، اما اعمال بد آنها، مجازاتی را برای آنان در پی ندارد. البته این مورد باعث نمی‌شود که سرپرست آنان، در قبال رفتارشان مسئولیت حقوقی نداشته باشد.

۲- عقل: عقل نیز یکی از شرایط ایجاد مسئولیت اخلاقی در افراد است؛ از این رو، افرادی که از سلامت عقلانی برخوردار نیستند، مسئولیت اخلاقی ندارند، اما همانند مورد اول، سرپرست آنان در قبال اعمال آنها مسئولیت حقوقی دارد؛ یعنی طبق قانون، سرپرست آنها مکلف است، خساراتی که در نتیجه اعمال نامطلوب آنان به وجود می‌آید را جبران کند.



۳- علم: فرد هنگامی مسئولیت اخلاقی دارد که فضائل و رذایل اخلاقی را بشناسد و از چگونگی انجام فضائل و دوری از رذایل و نیز عواقب انجام آنها آگاه باشد. در واقع اگر فردی از وظایف اخلاقی خود آگاهی نداشته باشد و این امکان که بتواند از آنها آگاهی داشته باشد نیز برایش فراهم نباشد، طبق اخلاق اسلامی، در برابر اعمال خود مسئولیت اخلاقی ندارد. در یکی از احادیث معتبری که از نبی مکرم اسلام، حضرت محمد(ص) نقل شده است، ایشان انسان را در قبال نه چیز معاف کرده اند که یکی از آنها بازخواست از تکلیفی است که انسان نسبت به آن علم و آگاهی ندارد؛ مگر اینکه این ناآگاهی او عمدی باشد.

۴- قدرت: براساس این مورد، انسان نسبت به آنچه که توانایی انجام یا ترک آن را ندارد، مسئولیت اخلاقی ندارد و نباید مورد بازخواست قرار بگیرد. از آنجا که مسئولیت داشتن انسانها نسبت به عملی که توانایی انجام آنجا را ندارند با حکمت خداوند ناسازگار است، بنابراین، نداشتن قدرت انجام یک کار، باعث عدم مسئولیت انسان نسبت به آن عمل می‌شود.

همان‌طور که فقدان علم، در صورتی رافع مسئولیت اخلاقی است که فرد در عدم آگاهی خود مرتکب کوتاهی و تقصیر نشده باشد، در باب شرط توانایی و قدرت نیز باید گفت که ما در بسیاری از موارد، مسئول تحصیل و توانمندی هستیم (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۷۶ و ۲۷۷).

۵- عدم اضطرار: اضطرار یعنی قرار گرفتن در شرایطی که دشوار و غیرعادی باشد. در چنین شرایطی، فرد مسئولیت اخلاقی ندارد؛ زیرا در شرایطی است که هیچ اختیاری برای انجام افعال اختیاری ندارد؛ مثلاً شخصی در بیابان گرفتار شده و گرسنه است و هیچ غذایی برای خوردن به غیر از مردار پیدا نمی‌کند.

۶- عدم اکراه: اگر فردی از روی اجبار و بدون اختیار عملی را انجام دهد، دارای مسئولیت اخلاقی نیست. در واقع شخص باید اعمالش را از روی اختیار و با میل و رضایت خود انجام دهد؛ در غیر این صورت هیچ مسئولیت اخلاقی ندارد. از این رو، همواره جبرگرایان تلاش می‌کردند تا با مطرح کردن این ادعا که انسانها در انجام اعمال خود هیچ اختیاری ندارند، هیچ مسئولیت اخلاقی برای انسانها قائل نباشند.

در نظام اخلاقی اسلام، پاره‌ای از وظایف اخلاقی را هرگز نمی‌توان به دلیل اکراه یا اضطرار ترک کرد و تحت هر شرایطی باید به آنها پایبند بود و زیان ناشی از آنها را تحمل کرد؛ مثلاً هیچ‌گاه نمی‌توان به دلیل اکراه یا اضطرار، جان دیگران را در معرض خطر قرار داد و یا به زیان مصالح اجتماعی عمل کرد و یا مصالح عمده دینی را زیر پا نهاد (همان، ۲۷۷ و ۲۷۸).

۷- قصد و تعمد: در شرایطی فرد دارای مسئولیت اخلاقی است که عمداً وظیفه اخلاقی خودش را نادیده بگیرد؛ از این رو، ترک وظیفه اخلاقی در نتیجه خطای سهوی، مسئولیت اخلاقی را برای فرد ایجاد نمی‌کند.

## ۸- راهکارهای ترویج اخلاق اسلامی

به طور کلی برای آنکه اخلاق اسلامی در جامعه رایج شود، راهکارهای مختلفی وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- تولید و نشر محتوای اخلاقی: به طور کلی، محتوای اخلاقی به هر نوع محتوایی گفته می‌شود که به ترویج ارزشها و فضایل اخلاقی بپردازد. این محتوا می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند متن، تصویر، صوت و ویدئو، تولید و منتشر شود. با تولید و نشر



محتوای اخلاقی در قالب فیلم، سریال، انیمیشن، کتاب، و سایر رسانه‌ها، می‌توان به ترویج اخلاق اسلامی در جامعه کمک کرد. این امر علاوه بر اینکه باعث ترویج اخلاق اسلامی می‌شود، تقویت بنیان‌های خانواده، ایجاد فضای سالم در جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد. می‌توان از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی، حمایت از تولیدکنندگان محتوای اخلاقی، و توجه به ظرفیت آموزش و پرورش، به ترویج محتوای اخلاقی کمک کرد.

۲- ترویج الگوهای اخلاقی: الگوی اخلاقی، شخصیتی است که به واسطه فضایل اخلاقی و رفتاری نیکو، مورد احترام و تقلید دیگران قرار می‌گیرد. این شخص می‌تواند یک شخصیت دینی، تاریخی، یا حتی یک فرد عادی باشد که در زندگی روزمره خود، الگوی رفتاری اخلاقی را به نمایش می‌گذارد. انسان‌ها ذاتاً تمایل به تقلید دارند، به خصوص از کسانی که آنها را الگو خود می‌دانند. ترویج الگوهای اخلاقی، این امکان را فراهم می‌کند که افراد، به‌ویژه جوانان، با مشاهده رفتار و کردار نیکوی این الگوها، به ارزش‌های اخلاقی تمایل پیدا کرده و آنها را در زندگی خود رعایت کنند. در این راستا باید به شناسایی و معرفی شخصیت‌های برجسته‌ای است که در سطوح مختلف جامعه، الگوی اخلاقی محسوب می‌شوند، پرداخت. این معرفی می‌تواند از طریق رسانه‌های مختلف، مانند صداوسیما، مطبوعات، و فضای مجازی صورت گیرد.

این امر تاثیر گذاری عمیقی دارد و باعث ایجاد انگیزه در افراد می‌شود. ترویج الگوهای اخلاقی شیوه‌هایی دارد؛ از جمله معرفی الگوهای اخلاقی، تربیت الگوهای اخلاقی، حمایت از الگوهای اخلاقی، و ترویج داستان‌ها و سیره الگوهای اخلاقی. البته در انجام این کار باید به نکاتی توجه کرد؛ مثلاً در انتخاب الگوهای اخلاقی، باید به تناسب آنها با فرهنگ و جامعه مورد نظر توجه کرد یا اینکه ترویج الگوهای اخلاقی باید به گونه‌ای باشد که منجر به تقلید کورکورانه و شخصیت‌زدگی نشود.

۳- حمایت از نهادهای دینی: یکی از راهکارهای مؤثر برای ترویج اخلاق اسلامی، حمایت از نهادهای دینی است. نهادهای دینی، به عنوان مراکزی که به ترویج و آموزش دین می‌پردازند، می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند. این نهادها با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند برگزاری کلاس‌های درس، سخنرانی، وعظ و خطابه، و انتشار محتوای دینی، می‌توانند آموزه‌های اخلاقی اسلام را به اقشار مختلف جامعه آموزش دهند. از سوی دیگر نهادهای دینی، طیف وسیعی از افراد با سنین و سطوح مختلف تحصیلی و اجتماعی را دربرمی‌گیرند؛ این تنوع، امکان ترویج اخلاق اسلامی را در سطوح مختلف جامعه فراهم می‌کند.

نهادهای دینی باید از لحاظ مالی، آموزشی، قانونی، معنوی و فرهنگی حمایت شوند تا بتوانند باعث ترویج اخلاق اسلامی در جامعه شوند.

۴- برگزاری اردوها و برنامه‌های فرهنگی: برگزاری اردوها و برنامه‌های فرهنگی، یکی از روش‌های مؤثر برای ترویج اخلاق اسلامی در جامعه است. این برنامه‌ها با فراهم کردن فضایی مناسب برای آموزش، تفریح و تعامل، می‌توانند به ارتقای سطح معرفت و ایمان افراد، و همچنین ترویج ارزش‌ها و فضائل اخلاقی در جامعه کمک کنند. این برنامه‌ها می‌توانند با تنوع و جذابیت بالا، در سطوح مختلف جامعه و برای گروه‌های سنی مختلف اجرا شوند و به ارتقای سطح معرفت و ایمان افراد و همچنین ترویج فضایل اخلاقی در جامعه کمک کنند. این امر می‌تواند باعث آموزش آموزه‌های اخلاقی، ترویج فرهنگ اخلاقی، ایجاد فضای معنوی و نیز تقویت روحیه تعاون و همبستگی افراد شود. در اجرای این برنامه‌ها باید توجه داشت که محتوای برنامه‌ها باید متناسب با اهداف برنامه‌ها، مخاطبان و زمان برگزاری آنها باشد.



## ۹- نتیجه گیری

اخلاق اسلامی نظامی از قواعد اخلاقی است که از آموزه‌های اسلام نشأت گرفته است. اخلاق اسلامی با ظرفیت بالقوه‌ای که دارد، می‌تواند انسان‌ها را به سعادت برساند. ارزش اخلاق اسلامی در این است که به انسان کمک می‌کند تا راهی بهتر و سالم‌تر در زندگی داشته باشد و به سعادت برسد. اخلاقی اسلامی برای تحقق کمال آدمی سعی دارد تا تربیت اخلاقی را در انسان‌ها نهادینه کند؛ برای تحقق این امر باید تربیت اخلاقی، از دوران کودکی باید آغاز شود و در طول زندگی ادامه یابد.

با توجه به رویکرد تلفیقی که بهترین رویکرد اخلاق اسلامی محسوب می‌شود و نیز نظر به مبانی قرآنی اخلاق اسلامی، ایجاد محیط تربیتی مناسب، تکریم شخصیت، دعوت به ارزش‌های اخلاقی، پرورش نیروی عقلانی، عبرت‌آموزی، تشویق و تنبیه و پرورش ایمان، مهم‌ترین روش‌هایی هستند که اخلاق اسلامی برای تربیت اخلاقی باید از آنها بهره بگیرد. این روش‌ها با شیوه‌هایی صورت می‌گیرند که همگی ریشه در آموزه‌های اسلامی دارند و با آنها منطبق هستند. بلوغ، عقل، علم، قدرت، عدم



اضطرار، عدم اکراه، و نیز قصد و تعمد نیز شرایطی هستند که موجب مسئولیت اخلاقی می‌شوند و در صورتی که فرد هر یک از این شرایط را نداشته باشد، از مسئولیت اخلاقی در قبال رفتار خود معاف است.

از آنجا که اخلاق اسلامی برای نیل به اهداف خود نیازمند گسترش و تثبیت در تمامی ارکان جامعه است، بنابراین باید اخلاق اسلامی را در جامعه گسترش داد. باتوجه به خصوصیات اخلاق اسلامی و مقتضیات جهان امروزی راهکارهایی پیشنهاد می‌شود؛ مانند تولید و نشر محتوای اخلاقی، ترویج الگوهای اخلاقی، حمایت از نهادهای دینی و نیز برگزاری اردوها و برنامه‌های فرهنگی. در پایان باتوجه به تمامی تلاش‌های صورت گرفته در زمینه بررسی اخلاق اسلامی می‌توان گفت که اخلاق اسلامی با برخورداری از جامعیت و پویایی، دارای ظرفیتی شگرف است که بهره‌گیری از این ظرفیت، نیازمند توجه به تمامی ابعاد اخلاق اسلامی است.

## مراجع

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تهران: محمد علی الانصاری القمی، ۱۳۳۷
۳. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیرالاعراق، چاپ سوم، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۱۱ق
۴. الراغب اصفهانی، الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار المرتضویه، ۱۳۸۳
۵. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، جلد پنجم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۴
۶. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیات، ترجمه احمد آرام، ج ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰
۷. داودی، محمد، اخلاق اسلامی(مبانی و مفاهیم)، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸
۸. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵
۹. شهریاری پور، علیرضا، معرفت اخلاقی، مبانی جامعه شناختی مسئولیت اخلاقی در اخلاق اسلامی، شماره ۱۲، صص ۲۵-۳۸، ۱۳۹۱



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۰. صفایی مقدم، مسعود و همکاران، مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش آموزان، مجله پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۱، صص ۲۳-۴۵، ۱۳۹۵
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، چاپ پنجم، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، ج ۱، تهران: رجا، ۱۳۶۷
۱۲. علیزاده، مهدی و دیگران، اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹
۱۳. کبیری، زینب و معلمی، حسن، مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی، فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره ۱، صص ۶۷-۹۰، ۱۳۸۸
۱۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷
۱۵. مطهری، مرتضی، فطرت، تهران: صدرا، ۱۳۶۹
۱۶. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۷۵